

تغییر رویکرد آمریکا به کردستان عراق



سید محمد حسینی

سفير اسبق ايران در عربستان

افتتاح بزرگ‌ترین کنسولگری آمریکا در اربیل عراق، علامت و هشدار بزرگ برای کشورهای منطقه بویژه برای عراق، ترکیه و سوریه است. کشورهایی که با یک مسأله مشترک مواجه هستند: «مسأله کردی». مسأله کردی یکی از عناصر آینده ساز در حوزه ژئوپلیتیک منطقه‌ای است، مسأله‌ای که گاه فعال و گاه خاموش و نیمه فعال است و حالا سرمایه‌گذاری آمریکا در کردستان عراق، در کنار حمایت تمام قد آمریکا از کردهای سوریه و نفوذ پنهان ولایه‌لایه اسرائیل در کردستان عراق، علائمی هستند که نشان می‌دهد، در نقشه راه آینده آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه، ژئوپلیتیک کردی، نقش آفرینی خاصی خواهد داشت. ریشه مسأله کردی را باید در مرزبندی صنعتی انگلستان در منطقه پس از فروپاشی عثمانی جستجو کرد. مسئله‌ای که با سیالیت قومی ترکیب شده و جدال‌های ژئوپلیتیکی در منطقه ایجاد کرده است. حالا آمریکا و اسرائیل قصد دارند پروژه نیمه تمام انگلستان را تکمیل کنند و با تحریک مسأله کردی در عراق و سوریه، بحران ژئوپلیتیکی جدیدی در منطقه ایجاد نمایند، چه اینکه حیات اسرائیل و تداوم حضور آمریکا در منطقه وابسته با بحران‌های امنیتی دارد، لِه‌ذا آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه بازیگرانی بحران‌زا و بحران‌زی هستند. ظهور داعش در کردستان عراق فرصت بی نظیری برای استقلال خواهی کردها فراهم کرد. کردهای عراق با ظهور داعش توانستند از خلأ امنیت ناشی از فقدان و ضعف دولت مرکزی در راستای اهداف خود استفاده کنند و علم استقلال طلبی برافرازند.

اقدام دیگر کردهای عراق در فضای ناشی از ظهور داعش در عراق، برگزاری همه پرسی و تلاش برای استقلال بود. به رغم مخالفت‌های بین‌المللی، در نهایت رفراندوم جدایی کردستان عراق در ۳۱ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار شد. گرچه به واسطه فشارهای گسترده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، بازاری رئیس وقت اقلیم کردستان عراق، مجبور شد، هم از نتایج همه پرسی و هم از کرکوک عقب‌نشینی کرده و در نهایت از قدرت کناره‌گیری کند اما تمایل به استقلال در کردستان عراق هنوز وجود دارد. کردها چه در سوریه و چه در عراق تاکنون از حمایت‌های کوتاه مدت و تاکتیکی برخوردار بودند و هیچ قدرت خارجی در کردستان عراق، منافع بلندمدت و دورنی برای خود تعریف نکرده بود. کشورهایی مانند روسیه، آمریکا و اسرائیل به دنبال استفاده از ظرفیت‌های کوتاه‌مدت و ابزاری کردهای منطقه بوده‌اند.

حالا سوال اساسی اینجاست آیا تاسیس بزرگ‌ترین کنسولگری آمریکا در منطقه در اربیل نشانی از تغییر رویکرد تاکتیکی آمریکا به رویکردی استراتژیک است؟ آمریکا تاکنون در عراق بازی دوگانه‌ای در قبال دولت مرکزی و کردها ایفاء کرده است. کردهای عراق از سال ۱۹۹۱ به یک متحد قابل اعتماد برای آمریکا بدل شده‌اند. ایران و آمریکا از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ یعنی زمان سقوط صدام درباره حمایت از کردهای عراق در مقابل حکومت مرکزی بغداد اشتراک نظر داشتند و هر دو کشور با حمایت‌های خود سبب تقویت هویت کردی به عنوان بازیگر متمایز شدند. اختلاف ایران و آمریکا درباره کردهای عراق بعد از سقوط صدام نمودار گشت زیرا ایران اولویت نخست را به دولت بغداد داد و آمریکا به خاطر مواجه شدن با ناکامی‌های گسترده در بغداد، به سمت افزایش حمایت از کردها گرایش پیدا کرد. اولویت دولت شیعی عراق برای ایران و اقلیم برای آمریکا به معنای نبود اشتراک منافع در اقلیم نبود بلکه در موضوعاتی خاص این اشتراک نظر به صورت طبیعی وجود داشت، به طوری که آمریکا و ایران در خصوص تهدید مشترک داعش، حفظ یکپارچگی عراق و مخالفت با همه پرسی استقلال، اتفاق نظر داشتند. اختلافات میان دولت مرکزی عراق و اقلیم کردستان نیز یکی از مولفه‌های تنش آفرین در حوزه مسأله کردی منطقه بوده است. استقلال خواهی کردها به عنوان مهم‌ترین معضل دولت مرکزی عراق در دوره‌های گوناگون شناخته می‌شود. این در حالی است که کردستان به دلایل چندی همچون وجود ذخایر عظیم هیدروکربنی، آبی و معدنی برای بغداد از اهمیت بالایی برخوردار است. اسرائیل نیز با جاه طلبی‌های ژئوپلیتیک به مسئله کردی در منطقه نظر دارد.

تصور اسرائیل این بوده و هست که کردها خود را نسبت به عرب‌ها «دگر هویتی» تعریف می‌کنند و به دنبال پرنرگ کردن مرزهای هویتی با عرب‌ها هستند، به خصوص که کردستان عراق هم مرز ایران هم است و به این ترتیب اسرائیل می‌تواند با نفوذ در کردستان عراق و پیشبرد پیمان ابراهیم، مرزهای امنیتی خود را در اطراف ایران بنا کند. از سوی دیگر گرایش‌ها و فرهنگ تقریبا سکولار کردهای عراق به گونه‌ای که تلاش می‌کنند خود را خارج از تقسیم‌بندی‌های شیعه و سنی در عراق معرفی کنند و نیز اجتناب آنها از هرگونه موضع شدید در قبال فلسطین، موجب شده است تا اسرائیلی‌ها هوشمندانه، مواضع همدات پندارانه را در اظهارات خود نسبت به استقلال کردستان عراق به کار برند.

اتخاذ این مواضع نه تنها بر حق موجودیت و مشروعیت اسرائیل در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی صحه می‌گذارد بلکه امید آنها را برای برقراری روابطی دوستانه و نزدیک با کردستان عراق به گونه‌ای که نسبت به مواضع سیاسی همدلانه با تل‌آویو و اقدامات اقتصادی همچون انتقال نفت، اطمینان داشته باشند، را افزایش خواهد داد. اهربرد اسرائیل در این زمینه «دکترین ایمن سازی اسرائیل از طریق اتحاد با محیط پیرامونی» است که از دهه‌ها قبل دنبال می‌شود و به معنای اتحاد با کشورهای غیر عرب پیرامون جهان عرب است. شرایط اقلیم کردستان عراق به ویژه اشتراکاتی همچون نگرش و سابقه منفی نسبت به اعراب، تسهیل‌گر این دکترین خواهد بود.

کمال اطهاری در گفت‌وگو با «آرمان ملی» مطرح کرد

عبور از انحصار گرایی

برای رسیدن به توسعه



انحصارگرایان نوکرمی خواستند نه روشنفکر

برخی جهانی شدن را یک توطئه تلقی می‌کنند

کشور در تله اندیشه گرفتار شده است

آرمان ملی- احسان انصاری: چربحران‌های اجتماعی در ایران شکل پیچیده‌ای به خودگرفته است؟ چه موانع مهمی در زمینه توسعه جامعه وجود داشته که به جای کم شدن چالش‌های اجتماعی و اقتصادی با چالش‌های بیشتری مواجه شده‌ایم؟ چرا ایران هنوز نمی‌تواند خود را به صورت منطقی و علمی با پروسه جهانی شدن همراه کند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با کمال اطهاری پژوهشگر توسعه و اقتصاد گفت‌وگو کرده است. اطهاری معتقد است: «در اغلب مقاطع کسانی که مدیریت جامعه را در اختیار داشتند برای اینکه کشتی با سرعت بیشتری حرکت کند

چرا بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه ما روز به روز شکل جدی‌تری به خودگرفت؟

مشکلات امروز جامعه ایران بیشتر به دلیل کج‌کارکردی و نقص نهادهی است. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی ما شاهد نوسان‌های شدید اقتصادی، بحران‌های اجتماعی و آسیب‌های محیط زیست هستیم. از سوی دیگر هنوز جریان‌های سیاسی کشور که هر کدام در یک مقطع سکان هدایت کشور را در اختیار داشته‌اند نتوانستند یک دستگاه نظری کامل را برای کشور ایجاد کنند که کشور براساس این دستگاه نظری و فکری به توسعه دست پیدا کند. به نظر من مهم‌ترین دلایل عدم تحقق برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی، اپوزیسیون خارج از کشور و گروه‌های متعارض داخلی نیستند، بلکه مهم‌ترین دلیل این مسأله فقدان یک دستگاه منسجم فکری و نظری برای توسعه است. تحریم اقتصادی کشورهای خارجی دلیل توسعه نیافتگی و بحران‌های اجتماعی ایران نیست و بلکه تحریم اندیشه و فقدان تئوری دلیل اصلی این اتفاق بوده است. این در حالی است که یک جریان سیاسی نیز در کشور حضور دارد که تمایل به انحصارگری دارد و در مقاطعی اجازه نداده برنامه‌های توسعه به خوبی در کشور اجرا شود. در نتیجه در نظام اندیشه ایران برای توسعه نوعی جنگ نرم وجود دارد که این جنگ نرم اجازه نداده کشور به یک جمع‌بندی کاربردی در زمینه توسعه و حل مشکلات جامعه برسد، به صورت تدریجی در همه کشورهای جهان نوسان‌های اقتصادی و اجتماعی وجود دارد. با این وجود در کشور ما از حالت نوسان خارج شده و شکل ژلزله به خودگرفته است. در هر کشوری که آزادی‌های فکری و سیاسی به اندازه لازم وجود نداشته باشد بحران‌های اجتماعی و اقتصادی شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. این در حالی است که در جوامعی که آزادی‌های سیاسی و مدنی در شکل مطلوبی وجود دارند نوع و پیامدهای بحران‌های اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. مسأله آزادی در ایران همواره دارای اهمیت زیادی بوده به شکلی که میرزای نائینی در جنبش مشروطه به صراحت به تفسیر این موضوع پرداخته است.

چرادر دهه‌های اخیر اراده جدی برای منسجم کردن دستگاه فکری هدایت‌کننده جامعه وجود نداشت؟

روشنفکران غیررسمی و رسانه‌های ما در زمینه به وجود آوردن آزادی نه تنها موفق نبوده‌اند، بلکه به صورت نسبی هم موفق عمل نکرده‌اند. این در حالی است که در دهه‌های گذشته روشنفکران رسمی همواره در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های رسمی حضور داشتند و بخشی از این روشنفکران در دولت نیز حضور داشته و برای جامعه تصمیم‌گیری کرده‌اند. با این وجود در اغلب مقاطع کسانی که مدیریت جامعه را در اختیار داشتند برای اینکه کشتی با سرعت بیشتری حرکت کند روشنفکران را از کشتی بیرون انداخته‌اند و اجازه نداده‌اند در قدرت سهمی داشته باشند. نگاه این گروه‌های انحصارگر به روشنفکران غیررسمی تنها به عنوان «میرزا بنویس» بوده است. این در حالی است که امروز که این کشتی سوراخ شده، همین گروه‌های انحصارگر از روشنفکران تقاضایی کنند که برای حل کردن مشکلات جامعه به آنها کمک کنند، اما این کمک خواهی نیز برای پیدا کردن مسیر صحیح کشتی و پیدا کردن راه حل منطقی و علمی نیست و تنها برای پرکردن سوراخ و غرق نشدن کشتی است. جریان‌های سیاسی



روشنفکران را از کشتی بیرون انداخته‌اند و اجازه نداده‌اند در قدرت سهمی داشته باشند. نگاه این گروه‌های انحصارگر به روشنفکران غیررسمی تنها به عنوان «میرزا بنویس» بوده است. این در حالی است که امروز که این کشتی سوراخ شده، همین گروه‌های انحصارگر از روشنفکران تقاضا می‌کنند که برای حل کردن مشکلات جامعه به آنها کمک کنند. با این وجود این کمک خواهی نیز برای پیدا کردن مسیر صحیح کشتی و پیدا کردن راه حل منطقی و علمی نیست و تنها برای پرکردن سوراخ و غرق نشدن کشتی است». در ادامه ما حاصل این گفت‌وگرا می‌خوانید.

چند سال است مسئولان عنوان می‌کنند قصد دارند برخی از مشکلات مهم اجتماعی و اقتصادی را حل کنند، اما مسائل جهانی این فرصت را از ما گرفته و اجازه نمی‌دهد ما مشکلات داخلی را به صورت ریشه‌ای حل کنیم

و زراعت کشاورزان تغییرات جدی به وجود بیاورند. هنگامی که یک جامعه فاقد دستگاه فکری منسجم برای توسعه باشد با یک فاجعه عینی مواجه خواهد شد و تنها در تئوری خلاصه نخواهد شد. با سیاست‌زدگی و شعارهای سیاسی نمی‌توان به توسعه دست پیدا کرد و بلکه مقوله توسعه نیاز به پیش زمینه‌های علمی و خرد جمعی برای تصمیم‌گیری دارد. به نظر من در شرایط کنونی نیز وضعیت جامعه ما به همین شکل شده است. چند سال است مسئولان عنوان می‌کنند قصد دارند برخی از مشکلات مهم اجتماعی و اقتصادی را حل کنند، اما مسائل جهانی این فرصت را از ما گرفته و اجازه نمی‌دهد ما مشکلات داخلی را به صورت ریشه‌ای حل کنیم.

آیا عدم توانایی انطباق جامعه ما با پروسه جهانی شدن سبب به وجود آمدن چالش‌های مهم جهانی و اخلاص در تعاملات بین‌المللی جامعه ایران شد؟

مدیران جامعه ما و روشنفکران رادیکال و ارتودوکس مدت‌هاست گرفتار «تله بنیادگذاران» شده‌اند. در دهه‌های گذشته اگر کسی از پروژه جهانی شدن و همراهی با این پروسه سخن می‌گفت گروه‌های رادیکال و ارتودوکس مقابله می‌کردند و عنوان می‌کردند به دلیل اینکه پروسه جهانی شدن سیاسی است و منشأ آمریلیستی دارد باید در مقابل آن ایستادگی کرد. این گروه‌های رادیکال پروسه جهانی شدن را یک توطئه تلقی می‌کردند. این در حالی است که بجز پروسه جهانی شدن، این مقاومت در مقابل دیگر جنبه‌های توسعه یافتگی نیز وجود داشت و گروه‌های رادیکال اغلب این موارد را توسعه امپریالیست فلامادی می‌کردند. در نتیجه امروز ما با «تله اندیشه» در کشور مواجه شده‌ایم. این در حالی است که در کشوری مانند ویتنام که مورد تهاجم آمریکانیز قرار گرفته بود هیچ‌گاه نسبت به پروسه جهانی شدن مقاومت نکردند و خیلی‌زود با جهانی شدن همراه شدند. نکته جالب این بود که حزب کمونیست این کشور با سیاست‌های «سوسیالیسم بازار» به پروسه جهانی شدن همراهی کرد و دیگر گروه‌های اجتماعی نیز با این حزب همراهی کردند. به همین دلیل نیز این کشور خیلی‌زود رشد کرد و در مسیر توسعه قرار گرفت. نکته قابل توجه اینکه همه مدیران جامعه درباره پیشرفت کشورهایی مانند ویتنام سکوت کردند و حتی اپوزیسیون نیز در مقابل این پیشرفت‌ها سکوت کرد.

ادامه وضعیت موجود به چه نتیجه‌ای منجر خواهد شد؟

در مرحله نخست ما باید این واقعیت را بپذیریم که اگر این وضعیت ادامه داشته باشد جامعه به سمت فروپاشی حرکت خواهد کرد. این در حالی است که اتحاد جماهیر شوروی نیز در حالی که در اوج سیاسی و نظامی قرار داشت از هم فروپاشید و نه در حضيض. اتحاد جماهیر شوروی هم دچار «تله بنیادگذار» شده بود و به همین دلیل نمی‌توانست وارد دوران پساصنعتی شود. امروز دولت هنوز نمی‌داند درباره عدالت و اشتغال چه رویکردی داشته باشد. این در حالی است که جریان انحصارگر در مقابل هرگونه تغییر جدی مقاومت می‌کند و اجازه نمی‌دهد برای مشکلات کشور راه حل تخصصی پیدا شود. در نتیجه مهم‌ترین دلیل فروپاشی جامعه انحصارگری است و تا زمانی که این نوع انحصار وجود داشته باشد نمی‌توان نسبت به تحول جامعه امید داشت.

سید حسین نقوی حسینی:

جریان جدیدی شورا را فتح می‌کند

لیست واحد جناحی نخواهیم بود. وی یادآور شد: البته در جریان اصولگرایی تکرر فهرست‌ها خیلی بیشتر می‌شود چون هر مجموعه‌ای فرد مطلوب خود را برای تصدی کرسی شهردار تهران در نظر دارد بنابراین درباره شهردار بعدی تنوع دیدگاه میان مجموعه‌ها دیده می‌شود. البته موضوع مهمتر میزان مشارکت مردم است که در جای خود اهمیت دارد و باید به آن پرداخت. وی افزود: شانس جریان حامی آقای زاکانی و مدعی ادامه‌دهنده راه آقای زاکانی در انتخابات شورای شهر تهران کم خواهد بود چون مردم به شدت از وضعیت فعلی شهرداری و شورای شهر ناراضی هستند. آن دسته از اعضای شورای شهر تهران هم که منتقد زاکانی بودند نتوانستند

مرزبندی خود را با زاکانی برای مردم روشن کنند چون شهردار تهران هر طور خواست عمل کرد و هیچ کسی هم از شورا نتوانست جلوی او را بگیرد بنابراین این گروه هم اگر دوباره کاندیدا شوند اقبال چندانی از طرف شهروندان تهران دریافت نخواهند کرد. این نماینده ادوار مجلس درباره عزم جریان حامی قالیباف برای حضور قوی در انتخابات شورای شهر تهران اظهار کرد: زمانی آقای قالیباف در تعیین اعضای شورای شهر شایخ بود، یعنی وقتی از فهرستی حمایت می‌کرد، مردم به آن فهرست استقبال نشان می‌دادند اما آقای قالیباف ۲ دوره ریاست مجلس بر عهده دارد و فاصله‌اش دیگر با شهرداری تهران زیاد شده است. ضمن

دوباره به پارلمان شهری راه یابند.

گزارش

سپه سالاری بابک زنجانی در حوض بی‌ماهی مدیریت اقتصادی

متهم نفتی دیروز، متنجی امروز؟

ایران این روزها بیشتر شبیه صحنه‌ای از یک ترازوی بی‌پایان است؛ دلار سر به فلک کشیده، سبد معیشت مردم هر روز کوچک‌تر می‌شود و وعده‌های دولتی همچنان در حد حرف باقی مانده است. در این میان، اطهارنظر‌های مدنی‌زاده از اقتصاد در شرایط «نه جنگ و نه صلح» تا توپیت جنجالی بابک زنجانی که خود را قادر به تثبیت دلار می‌داند، حکایت از آشفتگی بی‌سابقه سیاستگذاری اقتصادی دارد.

دلار گرانی؛ کابوس روزانه

به گزارش رویه‌اد ۲۴، بازار ارز و سکه همچنان در بحران دست‌وپا می‌زند. هر نرخی که بانک مرکزی یا دولت تعیین می‌کند، به سرعت توسط واقعیت بازار رد می‌شود. قیمت دلار در ماه‌های اخیر به اوج‌های بی‌سابقه‌ای رسیده و هیچ‌کس از مسئولان پاسخ روشنی درباره کنترل آن نمی‌دهد. سبد معیشت خانوارهای متوسط و کم‌درآمد به شدت آسیب دیده و سفره مردم روزبه‌روز کوچک‌تر می‌شود. در این وضعیت، وزیر اقتصاد آب پاکی را روی دست همه ریخته و می‌گوید: «هنگامی که فضای نااطمینانی ناشی از جنگ در منطقه شکل می‌گیرد و فشار تحریم‌ها افزایش می‌یابد، بازار سرمایه و بازار پول به هم می‌ریزد، نرخ سود بالا می‌رود و در نتیجه بازار سرمایه نمی‌تواند نقش مؤثری در سرمایه‌گذاری ایفا کند؛ پیامد آن نیز کاهش رشد اقتصادی است. در فضای نه جنگ نه صلح نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم سرمایه‌گذاران مثل گل‌گشته در کشور سرمایه‌گذاری کنند». اظهاراتی که نه تنها تلافیف‌کننده بحران نیست، بلکه نشان می‌دهد مسئولان محترم نه برنامه و نه آمیدی به اصلاح اوضاع اقتصادی مملکت دارند. مردم نیز همچنان که با گرانی دست و پنجه نرم کرد و نرخ روز افزون دلار که حالا قله ۱۲۶ هزار تومان را هم فتح کرده را دنبال می‌کنند تا بلکه بفهمند چه به روزشان خواهد آمد.

بابک زنجانی متنجی شد!

وضعیت دقیق‌اشبیه همان حوض بی‌ماهی است که به قول قدیمی‌ها قورباغه در آن سپه سالاری می‌شود. شاهد آنکه بابک زنجانی از آن سابقه جنجالی ادعای می‌کند می‌تواند متنجی اقتصاد کشور باشد! او در توپیتی جنجالی نوشت: «اعلام شده به دلیل شرایط جنگ، پساجنگ و تحریم‌ها، افزایش قیمت دلار امری طبیعی است و نباید انتظار آرائی آن را داشت. هر نرخی که مدنظر این شرایط است تعیین شود، اما ثابت و قابل اتکا باشد. اگر از عهده مدیریت تثبیت آن برنی‌آید، سیاست‌گذاران را در کار گروهبی دو ماهه به رخ ما و اگذار کنید تا ببیند پول را در عمل به رخ بکشیم! تاملت بینند سال‌ها به پنهانه‌تخریم‌ها از سوی شما سرکار بودند.» نگاهی به این توپیت کافی است تا بفهمیم اوضاع اقتصاد ما به کجا رسیده است؛ کار به جایی که یک متهم سابق و نماد فساد اقتصادی می‌خواهد جای سیاستگذاران و کارشناسان رسمی کشور را بگیرد و خود را متنجی معرفی کند.

بحران اعتماد و آینده مبهم

واقعیت این است که نه سیاست‌های کنترل تورم کارآمد و نه مدیریت بازار ارز موفقیت‌آمیز بوده است. مردم هر روز شاهد سقوط ارزش پول ملی، گرانی سرسام‌آورو وعده‌های بی‌عمل مسئولان هستند. وقتی کسانی مثل زنجانی حتی جرات ورود به عرصه سیاستگذاری اقتصادی پیدا می‌کنند، یعنی کشور به مرحله‌ای از بحران رسیده که دیگر هیچ خط قرمزی مانع از ورود متهمان سابق به امور اقتصادی نمی‌شود. اگر وضعیت فعلی ادامه پیدا کند، اعتماد عمومی به طور کامل از بین خواهد رفت و سیاستگذاری اقتصاد به بازیچه‌ای برای افراد پرمدعا و فرصت طلب تبدیل می‌شود. آنچه مسلم است، این است که بحران فقط محدود به نرخ دلار یا تورم نیست؛ بحران در اعتماد مردم، مدیریت ناکارآمد و فقدان شجاعت سیاستگذاران واقعی است.

گزارش

علی ربیعی:

نگاه امنیتی بزرگ‌ترین مانع رشد اقتصاد دیجیتال است

دستیار اجتماعی رییس جمهوری با اشاره به اینکه همان طور که در کشورهای توسعه‌یافته، اقتصاد دیجیتال هیمنه‌ای بر سیاست، فرهنگ و امنیت پیدا کرده، در ایران نیز در ساختار قدرت و تغییرات نگرشی آینده تأثیر عمیقی خواهد گذاشت، اظهار داشت:: یکی از نارسایی‌های سیاست‌گذاری ما بی‌توجهی به آثار اجتماعی حوزه‌هایی بوده که در بستر خود رشد کرده‌اند، علی‌ربیعی با بیان اینکه تجربه زیسته اقتصاد دیجیتال نشان دهنده نقش کلیدی سیاست‌گذاری اجتماعی در این حوزه است، گفت: به اعتقاد من مهم‌ترین مانع رشد اقتصاد دیجیتال در ایران، نگاه امنیتی و تهدیدانگارانه به این حوزه است؛ اما اولین شرط رشد، عبور از نگاه امنیتی به نگاه ظرفیت‌محور است. ربیعی با اشاره به نابرابری داخلی و نابرابری با جهان، تصریح کرد: اقتصاد دیجیتال می‌تواند هر دو را کاهش یا افزایش دهد.